

# غبار اخبار جعلی بر سپهر رسانه‌های

## آیا سواد دیجیتالی غبار اخبار جعلی و اطلاعات نادرست را از سپهر رسانه‌های می‌زداید؟

سیدغلامرضا فلسفی  
ارتباط پژوه

جعلی و تمرکز اولیه آن بر مباحث پارلمانی پیرامون این موضوع باز می‌گردد. پس از آنکه رسوایی «کمبریج آنالیتیکا» از پرده برون افتاد، فعالیت‌های این کمیته ابعادی تازه به خود گرفت و حدود عملکردش از پرداختن صرف به موضوع اخبار جعلی، به اطلاعات نادرست و اخبار جعلی تعمیم یافت. این مهم بازتاب‌دهنده شرایط، اهمیت و همچنین میزان توجه مجلس و تمرکز مذاکرات، حول موضوع‌های مذکور است.

در روزگاری که **دونالد ترامپ** از لحظه تکیه بر اریکه قدرت، رسانه‌های مخالف خود را به بهره‌مندی از شمشیر **داموکلس** اخبار جعلی متهم می‌کند و حامیان «برگزیت»، از جمله **بوریس جانسون** نخست‌وزیر وقت انگلیس، با تولید اخبار جعلی و نشر عامدانه آن توسط رسانه‌ها سعی در فریب افکار عمومی دارند (فلسفی، ۱۳۹۶: ۶۴)، به نظر می‌رسد نگرانی حاکم بر روح گزارش کمیته منتخب مجلس عوام و فراتر از آن، هراس بین‌المللی از خطر بازگشت جهان به عصر تاریکی، به جد محل تأمل است. این در حالی است که طامات باقی آنانی که در صدد توجیه توأم با عادی‌سازی چنین جعلیاتی برمی‌آیند، بر شدت مصائب و هرچه بیشتر غبار آلود شدن سپهر رسانه‌ای افزوده است. به زعم این افراد، چون سده بیست و یکم دوران «پساحقیقت» و هنگامه «مرگ حقیقت» محسوب می‌شود، بهره‌مندی از حقایق جایگزین در امور، به‌ویژه از نوع سیاسی آن، امری صواب و پذیرفته است.

پیرامون موضوع پساحقیقت می‌توان به **تیموتی اسنایدر**، استاد دانشگاه ییل و متخصص جنگ جهانی دوم اشاره کرد که در واکنش به انتخاب ترامپ، کتابی را در سال ۲۰۱۶ با عنوان «در برابر استبداد، بیست درس قرن بیستم» به رشته تحریر درآورد و در مارس ۲۰۱۷ طی مصاحبه‌ای، «پساحقیقت» را «پیشافاشیسم» خواند. نظر به اهمیت و برای تبیین بهتر موضوع حقایق جایگزین نیز به روایت حادثه‌های اشاره می‌شود با عنوان «کشتار جمعی بولینگ گرین» از سوی **کلین کانوی**، مشاور ترامپ و واضع واژه «حقایق جایگزین» که پس از پیروزی ترامپ

### اشاره

هزاره سوم میلادی زیر خروارها پیام جهت‌دار و غرض‌مند منتشره از صدها رسانه جمعی با نظریه «مرگ حقیقت» آغاز شده است! هراس به‌جا و درست مردمان عصر سیطره تکنولوژی رسانه‌ای از بازگشت جهان به جاهلیت و تاریکی کم‌کم به فویبا بدل می‌شود. آگاهی معلمان و مدرسان و آگاهی بخشی به مخاطبان به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان از بازار مکاره مغالطات می‌تواند راهبردی انتقادی در مقابله با استرسی‌ها در زیست‌جهان کنونی باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اخبار جعلی، غبار اخبار جعلی، سواد دیجیتالی، مرگ حقیقت

دولت انگلیس در فوریه ۲۰۱۹ گزارشی ۱۱۱ صفحه‌ای درباره «اطلاعات نادرست» و «اخبار جعلی» منتشر کرد که حاوی نکاتی نگران‌کننده از وضعیت حاکم بر سپهر رسانه‌ای آن کشور است. گزارش مذکور ثمره دو سال کار تحقیقاتی کمیته‌ای منتخب از نمایندگان مجلس عوام انگلیس است که ترکیب اعضای آن از هر دو حزب محافظه‌کار و کارگر شکل گرفته بود. در ابتدای تشکیل این کمیته، اطلاعات و شواهدی فراوان پیرامون موضوع به‌طور شفاهی و مکتوب گردآوری شد که بسیاری از آن اسناد، از جمله توضیحات مکتوب **دومینیک تورینگتون**، در فضای برخط قابل دسترسی است. برای انجام این تحقیق، طی نشست‌های در اواخر سال ۲۰۱۸، از مشورت و معاضدت شرکای جهانی انگلیس، شامل تعدادی از نمایندگان برخی مجالس اروپایی که «کمیته بزرگ بین‌المللی» نامیده می‌شوند، بهره برده شد. اصل ضرورت تشکیل کمیته منتخب مجلس عوام، به مسئله اخبار

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶، برای توجیه قانون ممنوعیت مسافرت و مهاجرت از هفت کشور عمدتاً مسلمان، از جمله ایران، به آمریکا از آن بهره جست و کمی بعد هم با استفاده از حقه حقایق جایگزین، از روایت معمول آن حادثه تبری جست. البته کانوی نخستین بار واژه حقایق جایگزین را برای توجیه دروغ **شان اسپایسر**، سخن‌گوی وقت کاخ سفید، پیرامون تعداد جمعیت حاضر در مراسم تحلیف ترامپ در سال ۲۰۱۶ به کار برد و اظهار داشت که اسپایسر در این زمینه دروغ نگفته، بلکه حقایق جایگزین را ارائه کرده است!

اسنایدر در کتاب «در برابر استبداد، بیست درس قرن بیستم»، از منظر یک مورخ، به بررسی مسائل امروز جامعه آمریکا و غرب پرداخت و از این نظرگاه، ۲۰ درس از دل تاریخ قرن پیشین و سازوکار حاکمان جبار فاشیست، نازیست و کمونیست بیرون کشید؛ درس‌هایی چون «در اطاعت پیش‌دستی نکنید»، «در دنیای مرگ حقیقت، به حقیقت باور داشته باشید» و غیره. اینکه استاد دانشگاه ییل در قالب درسی از درس‌های بیست‌گانه خود تأکید می‌کند، برای فرو نغلتیدن در ورطهٔ پرمخافت پساحقیقت: «چند دقیقه در روز اینترنت را کنار بگذارید و به جایش کتاب بخوانید»، یادآور دیدگاه **فرانسیس فوکویاما** پیرامون نقش اینترنت در جهان پساحقیقت است. به اعتقاد فوکویاما، در این روزگار منابع اطلاعاتی با مطالب مغایر و مشکوک زیر سؤال می‌روند که به وجود آمدن فضایی این چنین غبارآلود ثمرهٔ اینترنت است. وی باور دارد، هم‌گرایی نامبارک اینترنت و اخبار جعلی، به قطبی‌شدگی و بی‌اعتمادی در نهادها و تزلزل در ساختارها انجامیده است و پیامدهایی بسیار مخرب در پی دارد (سلطانی‌فر، سلیمی و فلسفی، ۱۳۹۶: ۴۵).

**میچیکو کاکوتانی**، برندهٔ آمریکایی «جایزهٔ پولیتزر» همچون اسنایدر که پیامد مرگ حقیقت را مرگ آزادی می‌داند؛ در کتاب خود با نام «مرگ حقیقت»، ضمن مرور جایگاه حقیقت و نقض و نادیده‌انگاشته شدن آن در دوران کمونیسم و نازیسم، بحث را بر به قدرت رسیدن ترامپ و اوج گرفتن نظریه‌ها و ایدئولوژی‌های عوام‌گرایانهٔ افراطی در زمانهٔ حاضر متمرکز می‌کند (فلسفی، ۱۳۹۸: ۸۸). کاکوتانی معتقد است: داعیهٔ مرگ حقیقت ثمرهٔ وعده‌های کذب رهبرانی کذاب است که تنها به قدرت بی‌قید و شرط می‌اندیشند و نقض و نادیده‌انگاری مدام حقیقت را رقم می‌زنند. به باور وی، بدبینی و ترس ناشی از این امر ناصواب سبب می‌شود، افراد این جوامع میان واقعیت و تجربهٔ زیسته، همچنین واقعیت و دروغ، تمایز قائل نشوند که این مهم ضمن تشدید فروکاست حقیقت، ارکان مردم‌سالاری را به لرزه درآورده است. به هر روی، فارغ از استدلال‌های مزورانه و مغلطه‌آمیز باورمندان به مرگ حقیقت و حقایق جایگزین، حقیقت گاه محل نزاع و اختلاف واقع می‌شود، چرا که افراد همیشه به حقایق یکسان یا ابعادی یکسان از حقیقت نمی‌پردازند. اما این بدان معنی نیست که هیچ امر حقیقی و در حوزه رسانه، هیچ متن حقیقت‌محوری وجود ندارد.

باری، دولت **ترزا می**، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا، پس از وصول گزارش کمیتهٔ منتخب مجلس عوام، طی ابلاغ آن به بخش‌های ذی‌ربط، محتاطانه و به استناد گزارش مذکور از واژهٔ اخبار جعلی عبور کرد و اصطلاح «اطلاعات نادرست»

(Disinformation) را بر آن اولی دانست. در گزارش کمیتهٔ منتخب، اطلاعات نادرست که بنا به تعریف ارائه شده عبارت است از تولید گزارش عامدانه دروغ و دستکاری اطلاعات با هدف گمراه‌سازی و فریب مخاطبان برای آسیب رساندن به آنان یا کسب انتفاع سیاسی، شخصی یا مالی از مفهومی گسترده‌تر و جایگاهی رفیع‌تر از اخبار جعلی برخوردار بود. رد پای چنین رویکردی در قبال مهتری و کهتری اخبار جعلی و اطلاعات نادرست نسبت به یکدیگر در اتحادیهٔ اروپا نیز مشهود است، تا جایی که در این اتحادیه طی دو سال گذشته، موضوع اخبار جعلی و اطلاعات نادرست به سطحی فراگیرتر، یعنی «اختلال اطلاعاتی» کشانده شده است.

گزارش کمیتهٔ منتخب مجلس عوام انگلیس بخشی از یک روند رو به تکامل را نشان می‌دهد. گزارش اولیهٔ این کمیته طی ژوئیهٔ ۲۰۱۸ منتشر شد و در مقابل پاسخی را از سوی دولت در پی داشت. این تعاملات به گزارش نهایی مذکور انجامیدند که به مثابهٔ یک راهنمای عمل از سوی دولت به بخش‌های ذی‌ربط ابلاغ شد. چرا که در آن، سیاست‌های آتی و قوانین موضوعه در حوزهٔ اطلاعات و رسانه مشخص شده است. آنچه در ادامه می‌آید، نگاهی گذرا به گزارش نهایی با تأکید بر مقولهٔ سواد دیجیتال است که در فصل پایانی گزارش بدان پرداخته شده است.

### فحوای گزارش: از کارکرد رسانه‌های اجتماعی تا تخطئهٔ تبهکاران دیجیتالی

به رغم وجود برخی لفاظی‌های ملال‌آور، گزارش کمیتهٔ منتخب حاوی اطلاعاتی مفید پیرامون تأثیر مخرب اطلاعات نادرست و اخبار جعلی بر نظام‌های مردم‌سالار و وضعیت حقوق بشر است و پیشنهادهایی واضح، مشخص و در عین حال مقوم را برای افزایش سطح کیفی قوانین مربوط به زیرساخت رسانه‌های دیجیتال در چارچوب اطمینان از شفافیت امور، بهبود روند پاسخ‌گویی و کاهش حداکثری آسیب‌های احتمالی ارائه می‌کند.

به تبع ابلاغ این راهنمای عمل، وضع قوانینی سخت‌گیرانه‌تر به منظور صیانت از داده‌ها، مشی واضح‌تر در حوزهٔ تبلیغات سیاسی و منعی کارا تر برای عدم انحصار داده و اطلاعات در دست‌تور کار قرار گرفت. گزارش مذکور در عین حال حاوی ادله‌ای برای ایجاد حساسیت حداکثری در شرکت‌های رسانه‌های پیرامون کارکردهای حرفه‌ای و «شیوه‌های محاسباتی» که مورد بهره‌مندی قرار می‌دهند، همچنین پیشنهادهایی به منظور حذف محتوای بالقوه مضر نیز است. آنچه همچنان موجبات عدم اطمینان برخی از اهالی فن را فراهم آورده، آن است که: آیا به موضوع اطلاعات نادرست باید از منظر کلان آسیب‌زا بودنش نگریست یا بر بحث و استدلال‌هایی گوناگون که در سپهر رسانه‌های بریتانیا پیرامون موضوع سلامت روان کودکان و نوجوانان و رابطهٔ آن با اطلاعات نادرست در جریان بوده است و در رسانه‌های اجتماعی نیز موضوعی داغ محسوب می‌شود، متمرکز شد؟

بخش اعظم گزارش کمیتهٔ منتخب به بحث پیرامون چگونگی کارکرد «رسانه‌های اجتماعی» با تأکید بر رقابت‌های انتخاباتی در عرصهٔ سیاسی باز می‌گردد. جالب اینکه در روند گزارش، موضوع اخبار جعلی از متن



همه، توجه را به خود جلب می‌کند؛ روایت منقول از فیس‌بوک است که هدف اصلی قرار گرفته تا جایی که با مرور خلاصه گزارش چنین تصور می‌شود که این گزارش منحصر برای فیس‌بوک تهیه و تنظیم شده است؛ چرا که از بسیاری دیگر از شرکت‌ها و مؤسساتی که هم‌سنگ فیس‌بوک محسوب می‌شوند، ذکری به میان نیامده، تو گویی فیس‌بوک مترادف با تمام رسانه‌های دیجیتالی یا اجتماعی است! البته نشر گسترده اطلاعات نادرست و اخبار جعلی بر بستر این رسانه و همچنین رفتار تحقیرآمیز فیس‌بوک با کمیته منتخب مجلس عوام واقعیتی است که موجبات این رویکرد گزارش را فراهم و تشدید کرده است؛ تا جایی که گزارش رنگ و بویی تلافی‌جویانه به خود گرفته است.

در این گزارش چندین بار تأکید می‌شود که **مارک زاکربرگ**، به رغم دریافت دعوت‌نامه‌های متعدد برای پاسخ‌گویی به برخی پرسش‌ها، به‌شخصه از حضور در کمیته مذکور استنکاف کرد و مدیران رده چندم خود را فرستاد. این رفتار توأم با تبختر و تحقیر مدیر فیس‌بوک تا جایی خشم اعضای کمیته منتخب را برانگیخت که در بخشی از گزارش خود، زاکربرگ و مدیرانش را تبهکاران دیجیتالی نامیدند و این امر در رسانه‌هایی چون «گاردین» بازتابی وسیع یافت.

البته وارد آمدن چنین فشارهایی به فیس‌بوک، به‌طور غیرمستقیم واجد رهاورد‌هایی مثبت بود. چنان‌که این غول رسانه‌ای مضاف بر اینکه همکاری خود را با تارنمایی‌هایی راستی‌آزما چون «سنوپس» و «پلیتی فکت» برای شناسایی اخبار جعلی و انتشار مطالبی با سطح کیفی متقاعدکننده در تارنمای خود گسترش داد (فلسفی، ۱۳۹۶: ۶۵)، طی آوریل ۲۰۱۷ نیز ابزاری آموزشی با نام «نکاتی برای شناسایی اخبار نادرست» منتشر کرد. این ابزار آموزشی با همکاری یک تارنمای بررسی حقیقت مستقر در بریتانیا با نام «حقیقت کامل» تهیه و در آن به جای اصطلاح اخبار جعلی از واژه اخبار نادرست استفاده شد. در تبیین چرایی این امر آمده است که اخبار جعلی بسیار رواج یافته و کنترل آن حتی از اختیار تولیدکنندگان اولیه آن نیز خارج شده کما اینکه ترامپ با هر دیدگاه یا حقیقتی که مخالف است، به آن لقب اخبار جعلی می‌دهد. اما اخبار نادرست به نحوی دقیق‌تر حامل این پیام است که عامدانه و آگاهانه تلاش می‌شود که محتوایی نادرست با اخبار واقعی اشتباه گرفته شود. برخی توصیه‌های ارائه شده در این ابزار آموزشی برای شناخت اخباری که به تعبیر فیس‌بوک نادرست خوانده می‌شوند، عبارت‌اند از:

- به تیترها مشکوک شوید؛
  - درباره منبع خبر تحقیق کنید؛
  - تاریخ‌ها را بررسی کنید؛
  - شواهد و مستندات را کنترل کنید (مک‌نیر، ۱۳۹۸: ۱۶۴ و ۱۶۵).
- تصریح می‌شود که مطلب حاضر نه تنها در پی تطهیر فیس‌بوک نیست، بلکه اگر کسی به دنبال انگیزه مضاعف به منظور حذف حساب کاربری خود در این سایت شبکه اجتماعی می‌گردد، می‌تواند روی ادله مطروحه در این نوشتار حسابی ویژه باز کند. اما نکته اینجاست که به نظر می‌رسد، تمرکز حداکثری گزارش کمیته منتخب بر فیس‌بوک به‌طور ناخواسته و البته مؤثر نادیده انگاشتن نقش دیگر شرکت‌های رسانه‌ای چون اپل، گوگل، آمازون و مایکروسافت را در شکل گرفتن فضای مسموم حاضر

به حاشیه رانده و به نسبت محو می‌شود. همچنین در گزارش مزبور در قالب بحثی مستوفی، مدل کسب‌وکار و برخی شیوه‌های گمراه‌کننده و فریبنده «فیس‌بوک» در تجارت مورد واکاوی قرار می‌گیرد؛ کژ کارکردی که به تجمع و در نهایت فروش اطلاعات شخصی اعضای این سایت شبکه اجتماعی به پوش‌های سیاسی منجر شد. در پایان گزارش نیز تحلیلی از تأثیرگذاری عوامل مخل بر روند و نتایج انتخابات سیاسی ارائه می‌شود. از جمله عواملی مخل که ابعاد مختلف آن‌ها به‌طور کامل در گزارش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از موضوع کمبریج

## اخبار

### نادرست به

### نحوی دقیق‌تر حامل

### این پیام است که عامدانه و

### آگاهانه تلاش می‌شود که محتوایی

### نادرست با اخبار واقعی اشتباه گرفته

### شود. برخی توصیه‌های ارائه شده در این

### ابزار آموزشی برای شناخت اخباری که به تعبیر

### فیس‌بوک نادرست خوانده می‌شوند، عبارت‌اند از:

### ● به تیترها مشکوک شوید؛

### ● درباره منبع خبر تحقیق کنید؛

### ● تاریخ‌ها را بررسی کنید؛

### ● شواهد و مستندات

آنالیتیک‌ها و شرکت‌های مرتبط با آن، استفاده از داده‌های شرکت‌های رسانه‌ای توسط پوش‌خروج از اتحادیه اروپا در همه‌پرسی برگزیت و همچنین بررسی نمونه‌هایی که کمتر در رسانه‌ها و بالطبع افکار عمومی بازتاب یافته‌اند، چون رسوایی شرکت فناوری «Six<sup>4</sup>Three» پیرامون نقض حریم خصوصی مخاطبان خود در فیس‌بوک و شرکت «اگرینگیت آی‌کیو» که در حوزه فناوری و ارائه مشاوره در امور سیاسی فعال است و به استناد شواهد ارائه شده در گزارش تحقیقی «کارول کدوالدر» روزنامه‌نگار نشریه «آزورور» چاپ لندن، ضمن ارتباط با مقامات کلیدی حامی ترامپ از جمله **استیو بنن** سردبیر سابق تارنمای خبری «بریت بارت»، موجبات نقض قانون انتخابات بریتانیا را در همه‌پرسی برگزیت فراهم کرد (مک‌نیر، ۱۳۹۸: ۱۴۸).

غامض و چندلایه بودن این موضوع‌ها، گاه هنگام خواندن گزارش موجب پدیدار شدن تصوراتی می‌شود دال بر اینکه نویسندگان گزارش، داستانی ماجراجویانه و پلیسی را در حوزه فناوری دیجیتال روایت کرده‌اند! مانند نحوه نفوذ به رایانه‌ها که از طریق آن پیام‌های مبادله شده درون شرکت‌ها و همچنین بین شرکت‌های گوناگون به‌طور کامل بازبایی شده و در دسترس قرار گرفته‌اند؛ منضم به گزارش‌هایی کامل با ذکر دقیق مشخصات ارسال‌کننده، دریافت‌کننده، زمان مبادله نامه، محتوا و غیره.

در حالی که به سبب برخی از این فعالیت‌های مجرمانه، شرکت‌های مذکور تحت پیگرد قانونی قرار دارند؛ اما در این گزارش آنچه بیش از



مذکور که در آن ابعادی وسیع‌تر از نگرانی‌ها مورد واکاوی قرار گرفته بودند، توسط دولت ترازمی نادیده انگاشته شد. این امر سبب شد قوانین موضوعه حول مطبوعات، به‌ویژه توسط مطبوعات نوپدید، مورد بی‌اعتنایی و استهزا واقع شوند و کثیری از روزنامه‌ها خود را در حصن و حصار قوانین «سازمان استانداردهای روزنامه‌های مستقل» قرار دهند.

چنان‌که به اختصار شرح آن رفت، وضع مقررات برای رسانه‌های اجتماعی نیز با مشکلاتی خاص همراه است. امروزه مفهوم آزادی بیان در رسانه‌های اجتماعی به پوششی برای بسیاری از هنجار شکنی‌ها تبدیل و لذا نسبت این مفهوم با رسانه‌های اجتماعی به دغدغه‌ای جدی بدل شده است. از سوی دیگر، تمیز قائل شدن بین جعلیات و حقیقت امری پیچیده است که تنظیم مقررات یا ارائه آموزش تاکنون موجبات بازدارندگی را در این زمینه فراهم نکرده است. گستره رابطه حکومت‌ها و دولت‌ها با شرکت‌های رسانه‌ای بین‌المللی و چگونگی قانونمند کردن فعالیت این شرکت‌ها در چارچوب قوانین ملی هر کشور نیز در جای خود بسیار پرسش‌برانگیز است. البته هجمه و فشار برای واداشتن این شرکت‌ها به گردن نهادن به مقررات ملی در حال فزونی است، اما باورپذیری مبنی بر به‌قیمومیت درآمدن و تحت چارچوب مقررات ملی قرار گرفتن این شرکت‌ها امری به‌غایت دشوار است که در این خصوص باید منتظر ماند و دید که آیا بازگرداندن غول‌های رسانه‌ای به بطری مقررات امری شدنی است یا خیر.

#### منبع اصلی

این نوشتار ترجمه‌ای است از مقاله‌ای با نام Beyond 'fake news': disinformation and digital literacy به قلم David Buckingham که در ابتدای سال ۲۰۱۹ به رشته تحریر درآمده است.

#### دیگر منابع

۱. دیویس، نیک (۱۳۹۸). «چورنالیسم؛ تولید انبوه و پشت سر هم خبرها با روزنامه‌نگاری چه می‌کند؟» ترجمه و تلخیص از ساعد یزدانجو، مجله بازخورد. سال دوم. شماره ۷.
۲. سلطانی فر، محمد؛ سلیمی، مریم؛ فلسفی، سیدغلامرضا (۱۳۹۶). «اخبار جعلی و مهارت‌های مقابله با آن». فصلنامه رسانه. دوره ۲۸. شماره ۳. شماره پیاپی ۱۰۸. [http://qjmn.farhang.gov.ir/article\\_51733.html](http://qjmn.farhang.gov.ir/article_51733.html).
۳. فلسفی، سیدغلامرضا (۱۳۹۶). «آیا سواد رسانه‌ای یارای هم‌وردی با اخبار جعلی را دارد؟» ماهنامه مدیریت ارتباطات. شماره ۹۰. [www.magiran.com/p1762084](http://www.magiran.com/p1762084)
۴. فلسفی، سیدغلامرضا (۱۳۹۸). جهان در خطر بازگشت به عصر تاریکی. مجله بازخورد. سال دوم. شماره ۸.
۵. کرمانی، حسین (۱۳۹۶). هر گردی گردو نیست؛ درباره نام‌گذاری انواع رسانه‌های اجتماعی». روزنامه شرق.
۶. ناشناس (۱۳۹۸). «خبرنگاری در دنیای شبکه‌ها؛ متن دستورالعمل آسوشیتدپرس و رویترز درباره استفاده خبرنگاران از شبکه‌های اجتماعی». ترجمه طاهره رحیمی. سال دوم. شماره هفتم.
۷. مک نیر، برایان (۱۳۹۸). اخبار جعلی: دروغ، تحریف و توهم در روزنامه‌نگاری. ترجمه بهجت عباسی. انتشارات جوینده. تهران. چاپ اول.

اطلاعاتی و رسانه‌های و تأثیرات آنان را در عرصه سیاسی موجب شده است. البته شواهد و قرائن از افول شدید ستاره اقبال فیس‌بوک نزد کاربران جوان و گرایش آنان به رسانه‌هایی چون «مای اسپیس» خبر می‌دهد. لذا بنا بر آنچه تاکنون شرح آن رفت می‌توان گفت، برای کاربر شهروندان داشتن درکی جامع‌تر از چگونگی فعالیت رسانه‌های دیجیتال و اجتماعی در سپهر اطلاعات و ارتباطات به واسطه «سواد دیجیتالی» از اوجب واجبات است.

### تغییر روند آموزش سواد دیجیتالی در گرو اما و اگر

آیا این گزارش در روند فعلی آموزش تغییر می‌کند؟ آیا این گزارشی است که در واقعیت رخ داده است؟ وقتی صحبت از مقوله آموزش به میان می‌آید، گمانه‌زنی پیرامون امکان تغییر به کمتر از ۵۰ درصد تقلیل می‌یابد. با این حال به نظر می‌رسد، با عنایت به طیف گسترده منابع و ارجاعات مورد استناد به مفاد قانونی در این گزارش، موجبات رشد آموزش سواد دیجیتالی فراهم آید. در عین حال آنچه باید با اولویت بیشتر و فوریت مضاعف، نظام‌مندان به آن پرداخت، اتخاذ رویکردی جامع برای آموزش فراگیر همه کودکان پیرامون رسانه‌هاست. اما براساس تجربه زیسته بعید به نظر می‌رسد که این اولویت و فوریت توسط مجریان امر در نظر گرفته شود. لذا تبدیل به قانون شدن رویکرد جامع آموزش رسانه‌ای که مدنظر گزارش مزبور است، با چشم‌انداز روشن توأم با خوش‌بینی همراه نیست.

در این گزارش وقتی نوبت به رگولاتورها می‌رسد، انتقادهایی مستقیم و بی‌پروا نسبت به شرکت‌هایی که در حوزه داده‌های بزرگ فعالیت می‌کنند، نظر را به خود جلب می‌کند. اما واقعیت این است که انتقادهای مزبور به دیگر حوزه‌ها! از جمله خود رسانه‌ها نیز وارد است. گزارش تحقیقاتی قاضی بر ایان هنری لوسن، پس از افشای رسوایی شنود تلفن شخصیت‌های سیاسی، اعضای دربار و هنرپیشه‌ها در بریتانیا توسط هفته‌نامه «News of the World»، نشان از پهنه شکفتن اور فعالیت‌های غیرقانونی و رفتار غیراخلاقی در رسانه‌های «فلیت استریت» و به بیان دیگر، عمق فساد دارد که تا هزارتوی مطبوعات، سیاستمداران و پلیس راه یافته است.

براساس نتایج این تحقیقات، روزنامه‌نگاران «دیسی میل» برای دستیابی به اطلاعات، نه فقط به پلیس بلکه به مقامات خدمات اجتماعی هم رشوه داده‌اند. خبرنگاران «ساندی تایمز» و News of the World، علاوه بر استفاده از داده‌های کارتهای اعتباری و هک تلفن‌ها، کارآگاهانی را هم استخدام کرده بودند که برخی شخصیت‌ها را تعقیب کنند. یکی از کسانی که از سوی ساندی تایمز برای این کار استخدام شده بود، بعدها از این رسانه شکایت کرد و گفت که خبرنگاران این روزنامه از شیوه‌های غیرقانونی موسوم به «هنرهای تاریک» برای گردآوری اخبار استفاده می‌کنند؛ تا جایی که از برخی افراد متخصص که داخل سطل‌های زباله رایانه آدم‌های معروف را می‌گردند تا چیزهایی پیدا کنند و به رسانه‌ها بفروشند، نیز خرید کرده‌اند (دیویس، ۱۳۹۸: ۵۱ و ۵۲).

به رغم محتوای نگران‌کننده گزارش لوسن، گزارش کمیته منتخب مجلس کمترین تأثیر را از آن گرفت. مضاف آنکه دومین گزارش قاضی